

حقوق و تکالیف ورزشی

دکتر عادل ساریخانی*

مقدمه

در مکتب اسلام انجام فعالیت‌های ورزشی و پرورش روح و جسم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است^۱ و توصیه‌های فراوانی در راستای پرداختن به ورزش در کلام پیشوایان دین ملاحظه می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: «به فرزندانان شما و تیراندازی را یاد بدهید».

روی آوردن به ورزش و خودداری از سستی و تنبلی در کلام شعرای فارسی زبان نیز دارای سابقه است و شعر معروف حکیم ابوالقاسم فردوسی زینت‌بخش تمام محافل ورزشی است.

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی آید و کاستی
در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل سوم آن تربیت بدنی رایگان و ایجاد امکانات و تسهیلات آن را از وظایف دولت بر شمرده است.^۲

با گسترش کمی و کیفی ورزش در دهه‌های اخیر نسبت به قبل و لزوماً افزایش قهری حوادث و ارجاع پرونده‌های عدیده‌ای که جرم یا شبه جرم آن مربوط به ورزش بود و نیز به لحاظ آرای مختلفی که دادگاه‌ها در خصوص یک موضوع صادر می‌کردند و بعضاً معارض با یکدیگر بود، فکر وضع قانون خاص برای حوادث ورزشی تقویت گردید.

سرانجام حاصل بحث‌های طولانی ظهور ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ بود که به موجب آن، حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر این‌که سبب آن

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

۱. حسین نوری، نیرو نشاط ترسیم از تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۷.

۲. بند ۲ اصل سوم قانون اساسی.

حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد، جرم تلقی شود و بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ حقوق ایران، حوادث ورزشی مشمول قانون خاصی گردید^۱ و در قوانین کنونی نیز با تغییراتی مورد توجه است. قوانین ورزشی را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱. گروهی که به قواعد بازی‌های اختصاص دارد. ۲. گروهی که مراقبت‌ها و احتیاط ویژه‌ای را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و هدف آنها تأمین ایمنی و پرهیز از خشونت در بازی‌های ورزشی است.

هدف ما در این مقاله، مطالعه و بررسی قوانین از نوع گروه دوم است؛ زیرا حقوق مسئولیت کیفری و مدنی به گروه دوم علاقه دارد و به مطالعه و تعیین ارزش آنها می‌پردازد و در همین گروه است که خطای ورزشی و اثر آن در روابط حقوقی مطرح می‌شود. اجرای قواعد عمومی مسئولیت در حقوق ورزشی ممکن نیست؛ زیرا پاره‌ای از جرایم مانند ضرب و جرح، در این زمینه مباح و گاه ممدوح است، بازیکنان، در رابطه میان خود و مربیان، پای‌بند قرارداد ضمنی هستند که مهم‌ترین مشخصه آن پذیرش خطرهای متعارف ورزشی است که در اجرای قوانین ویژه بازی‌ها رخ می‌دهد.

بنابراین، معیار تعیین خطای ورزشی «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی است که فعل زبان‌بار واقع می‌شود»^۲.

عامل اضطراب و دفاع مشروع را نیز باید در این شرایط به حساب آورد. تجاوز از این رفتار متعارف، خطا و سبب مسئولیت مدنی است. مسئولیت خساراتی که تماشاگران مسابقه‌های ورزشی می‌بینند، اصولاً بر عهده برگزارکنندگان آن است، مگر این که ناشی از خطای بازیکنان یا اقدام تماشاگران باشد. مبنای این مسئولیت بر پایه تقصیر است که باید آن را کوتاهی در تأمین امنیت تماشاگران دانست.^۳

در جهان کنونی، ورزش یکی از راه‌های مؤثر تربیتی و اخلاقی به‌ویژه برای جوانان است؛ وسیله‌ای که روزبه‌روز چهره علمی بیشتری پیدا می‌کند. از نظر سیاسی نیز پیروزی در میدان‌های ورزشی وسیله مفیدی برای تبلیغ و اثبات اعتبار ملی است و به همین جهت بودجه‌های کلان و نیروهای انسانی فراوان برای پیشرفت ورزش و توسعه آن صرف می‌شود. این اهمیت روزافزون باعث شده است که اندیشمندان حقوقی

۱. ایمان شیرزاد، اذن و اجازه مجنی علیه در ارتکاب جرم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۷۹)، ص

۱۹۰. ۲. حسن پوربافرانی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ص ۲۵.

۳. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان فهری) ص ۳۰۷.

متماایل به تأسیس رشته خاصی با عنوان «حقوق ورزشی» شوند؛ مانند حقوق کار یا تجارت یا کشاورزی یا پرستاران به ابعاد گوناگون این رابطه اجتماعی بپردازند. این اقبال علمی باعث شده است که کتاب‌ها و مقاله‌های گوناگونی در این باره نوشته شود و رویه‌های قضایی به رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن توجه خاص کنند و ضرورت‌های بازی‌های ورزشی را در اعمال قواعد مسئولیت مدنی در نظر بگیرند.

ماتا تحقّق این آرمان، که «حقوق ورزشی» نیز به عنوان رشته ویژه‌ای از حقوق تدوین شود، راه درازی در پیش داریم، هنوز ادبیات حقوقی ما در این زمینه نو پا است و رویه قضایی، چندان که باید، به این پدیده مفید اجتماعی و مبارزه با خطر بازی‌های ورزشی نپرداخته است. از نظر اجتماعی نیز هنوز در کشور ما ورزش رنگ حرفه و شغل ندارد و باشگاه‌ها و انجمن‌های ورزشی آن اقتدار و انسجام را نیافته‌اند که آفریننده نظم نو در ورزش شوند. هنوز مردم ما به ورزش به عنوان فضیلت اخلاقی می‌نگرند و آن را نوعی تفریح و سرگرمی مفید می‌شناسند و این فایده را از آن انتظار دارند که وسیله تربیت و سلامت روح و جسم آدمی شود. این نگرش اخلاقی انگیزه سبک و ناچیزی برای دست زدن به تلاشی گسترده در راه تدوین و تکامل «حقوق ورزشی» نیست، ولی باید این واقعیت را در نظر داشت که حقوق حرفه‌ای و شغلی ایجاب می‌کند که مقدمه لازم برای آن فراهم آید و و نهادهای ورزشی به صورت مؤسسه‌های بزرگ اقتصادی و حرفه‌ای در صحنه زندگی اجتماعی ظاهر شوند.

بی‌گمان با شوق روزافزونی که در جوانان کشور برای فراگیری رشته‌های گوناگون ورزشی دیده می‌شود و موفقیت‌های امیدوارکننده‌ای که در میدان‌های بین‌المللی و جهانی به دست آورده‌اند، پیشرفت ورزش فراتر از تقاضا و به صورت مطالبه اجتماعی و ملی در آمده است و با این وصف ایجاد «حقوق ورزشی» مستقل با همه ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی و اقتصادی و عرفی آن دور از دسترس نخواهد بود و امیدواریم تشکیل همایش‌های بین‌المللی، سنگ نخستین این بنای رفیع باشد، ولی با توجه به این که هنوز آن منظور فرا نرسیده است، از دیدگاه حقوقی، قوانین ورزشی را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. گروهی از قواعد که ساختمان اصلی بازی‌های ورزشی را احاطه و اداره می‌کند و در واقع قوانین بازی و اجرای درست هر شاخه‌ای از فعالیت‌های بدنی است؛ مانند این که در بازی فوتبال جز دروازه‌بان بازی‌کنان دیگر حق ندارند با دست توپ را هدایت کنند؛ بازی باید در محدوده معین زمین ورزشی جریان یابد؛ حمله به دروازه‌بان ممنوع

است و مانند اینها. تخلف از این قواعد «خطای ورزشی» است و ضمانت اجرای ویژه‌ای به عنوان مجازات متخلف را به همراه دارد.

۲. گروه دیگر قواعد، که بعضی مراقبت‌ها و احتیاط‌های ویژه را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و هدف آنها تأمین ایمنی بازیکنان به هنگام مسابقه و پرهیز از خشونت و انتقام‌جویی و سالم‌سازی محیط ورزشی است.

این دو گروه با هم ارتباط دارد و مجموع آنها موضوع «حقوق ورزشی» قرار می‌گیرد، ولی حقوق کنونی، به ویژه مسئولیت کیفری مدنی، به گروه دوم گرایش دارد و خود را در مطالعه و دسته‌بندی و تعیین ارزش حقوقی آنها ذی‌نفع می‌بیند. بررسی گروه نخست تنها از نظر آثار حقوقی تخلف از آنها مفید است و تا زمانی که ضرر نامتعارفی از آن برنخاسته است، موضوع حقوق «مسئولیت مدنی» واقع نمی‌شود. در واقع، خطای ورزشی، از جهت خسارتی که به بار می‌آورد مسئولیتی که بر دوش مرتکب آن می‌نهد، در حقوق مطرح می‌شود.^۱

مسئولیت‌های ورزشی به رابطه ورزش‌کاران و خساراتی که هنگام مبارزه و مسابقه به بار می‌آید محدود نمی‌شود. بخش عمده دیگر آن ناشی از رابطه بازیکنان با مربیان و سازمان‌های ورزشی است و به قراردادهای صریح و ضمنی که در این زمینه بسته شده است ارتباط دارد. به بیان دیگر، در این بخش بیشتر مسئولیت‌های قراردادی است و چون بسیاری از عهدشکنی‌ها در قوانین نیز ضامن آور است و به تکالیف عمومی مردم در برابر یکدیگر مربوط می‌شود، زمینه مناسبی برای طرح امکان جمع مسئولیت‌های قراردادی و قهری و اختیار زیان دیده در انتخاب مبنای دعوای خسارت به وجود می‌آورد.

چهره دیگر این‌گونه مسئولیت‌ها در رابطه میان گروه ورزش‌کاران و برگزارکنندگان مسابقه‌ها از یک سو و تماشاگران و اشخاص ثالث از سوی دیگر است که گاه با مسائل اجتماعی و اقتصادی دیگر، از جمله بیمه مسئولیت و نقش بسیار مهم آن در تنظیم عادلانه این روابط، مخلوط می‌شود. بدین ترتیب، خطای ورزشی و مسئولیت‌های ناشی از آن در سه زمینه قابل مطالعه است: ۱. در رابطه ورزش‌کاران به هنگام بازی‌های ورزشی ۲. در رابطه ورزش‌کاران و مربیان با اشخاص ثالث و به ویژه تماشاگران ۳. در رابطه ورزش‌کاران و مربیان و مؤسسه‌های ورزشی.

۱. حسن پوریافرانی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ص ۴۴.

فصل اول: رابطه ورزشکاران به هنگام بازی‌ها

در این فصل ابتدا به بررسی خطای ورزشی که در حین بازی توسط بازیکنی علیه بازیکن دیگر صورت می‌گیرد می‌پردازیم و سپس راجع به ماهیت و ویژگی‌های این نوع خطاها بحث خواهیم نمود.

گفتار اول: خطای ورزشی

بازی‌های ورزشی، در همان حال که سبب نشاط روحی و سلامت بدنی است، جایگاه بروز انواع خطرها و ایراد ضرب و جرح‌هایی است که گاه به نقص عضو تا مرگ نیز منتهی می‌شود. دشواری در این است که خطرها، لازمه حرکت‌های ورزشی و احترازناپذیر است. در نتیجه، حقوق در این دوراهی سرگردان و در تردید است که آیا پرهیز از خطرها را مقدم دارد و بازی‌های خطرناک را منع کند یا به اشتیاق جوانان پاسخ مثبت دهد و خطرها را پذیرا شود. فشار افکار عمومی و فایده‌های سیاسی و اقتصادی و اخلاقی این‌گونه بازی‌ها چنان قوی است که احتیاط را کاهلی جلوه می‌دهد و دوران‌دیشی را به ترس بیهوده تعبیر می‌کند. امروزه، دولت‌ها ناچار شده‌اند که از مجازات ایراد ضرب و جرح عمدی و خطرناک در ورزش‌هایی مانند بوکس و کاراته و رگبی چشم‌پوشند و تنها به تعدیل خشونت‌ها و کاستن از خطرها قناعت کنند، لذا باید پذیرفت که اجرای قواعد عمومی مسئولیت مدنی در این زمینه ممکن نیست و ناچار بایستی تقصیر ورزشی را تابع قواعد ویژه این حرفه کرد. قانون باید از آریکه قدرت به زیر آید و نقش نخستین را بر عرف واگذار کند.

برای شناخت ماهیت خطای ورزشی و تمیز ویژگی‌های آن، از چند دیدگاه می‌توان به رابطه ورزشکاران نگریست:

۱. همان‌گونه که اشاره شد، در زمینه بازی‌های ورزشی، نیازهای اجتماعی و قدرت عرف، سلطه قانون و دولت را بی‌فروغ و ناتوان کرده است، چنان‌که زدن مشت بر چانه حریف و لگد پرانی را مردم آفرین می‌گویند. اما قانون سرزنش و تنبیه می‌کند و سرانجام قانون است که گام به عقب می‌نهد و مسابقه مشت‌زنی و لگدپرانی را در نظام خود می‌پذیرد و برای آنان که قدرت عرف و قوانین خودجوش اجتماعی را برتر از قانون دولتی می‌شمرند، مثالی زنده ایجاد می‌کند.^۱ به همین جهت است که پاره‌ای از

۱. حسن بورباقرانی، همان، ص ۴۶.

نویسندگان پذیرفته‌اند که تقصیر ورزشی مفهومی است که با قواعد عمومی مسئولیت مدنی نمی‌توان به آن دست یافت و حقوق مسئولیت ورزشی را باید رشته‌ای اصیل و مستقل شمرد و جداگانه مطالعه کرد.^۱

خطای ورزشی را عرف و عادت مشخص می‌کند؛ منتها این عرف به وسیله فدراسیون‌های بین‌المللی تدوین و در مجموعه‌هایی مانند قوانین ضبط و گاه تعدیل و تصحیح می‌شود. در این مجموعه‌ها است که قواعد بازی‌ها و مسابقه‌های ورزشی اعلام می‌شود و تخلف از آنها خطا است، مانند مجموعه قوانین (کُد) اسب‌دوانی، فوتبال، تیس، رگبی، بوکس، کشتی و مانند اینها. گروهی از همین قواعد است که بعضی مراقبت‌ها و احتیاط‌های ویژه را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و چنان‌که در مقدمه این بحث گفته شد، مربوط به مسئولیت مدنی در زمینه‌های گوناگون ورزشی است.

اعتبار و نفوذ این‌گونه مجموعه‌ها نشان‌های بارزی بر تأیید نظر جامعه‌شناسان و مکتب‌های حقوقی طرفدار قواعد اجتماعی، به عنوان پایه و مبنای الزام‌های حقوقی است؛ نمونه‌ای که گروه‌های اجتماعی، قطع نظر از دخالت دولت و گاه در برابر قوانین دولتی، قانون حاکم بر روابط خویش را وضع می‌کنند و الزام اجتماعی به وجود می‌آورند. اینان در حکومت این‌گونه قواعد عرفی بر قوانین دولتی تردید ندارند و با اشتیاق آن را می‌پذیرند، ولی آن گروه از حکیمان که حقوق را به اراده دولت وابسته می‌دانند، در برابر این پرسش منطقی قرار می‌گیرند که اعتبار رسمی این مجموعه‌ها تا چه اندازه است؟ و اکنون که دولت و مجلس قانون‌گذاری در وضع آنها دخالت نداشته است، آیا دادگاه‌ها باید چنین قوانین عرفی را، که در عین حال چهره بین‌المللی هم دارد، به عنوان قواعد الزام‌آور بپذیرند یا باید از قواعد عمومی مسئولیت مدنی پیروی کنند؟ پرسشی که بزودی به آن خواهیم پرداخت، ولی به عنوان مقدمه یادآور می‌شویم که گاه پیمان‌های بین‌المللی، از راه پیوستن دولت‌ها به آن و پذیرش عضویت در فدراسیون‌های بین‌المللی، از شدت اشکال می‌کاهد و از راه غیرمستقیم قواعد عرفی را به اداره دولت منسوب می‌کند و دادرسان را بر سر دو راهی دیگر قرار می‌دهد که به هنگام تعارض این قواعد با قوانین داخلی، کدام‌یک را باید مقدم شمرد؟

۲. قبول خطر از سوی ورزش‌کاران و اقدام و ارضای زیان دیده و شرکت او در فعل زیان‌بار، حتی در آنچه به جان و سلامت او صدمه می‌زند، و مهم‌تر از همه، عرف گذشته

۱. کاربویه، تعهدات، ج ۴، ش ۲۳۴ (چاپ تجدید نظر شده ۱۹۹۶)، ص ۳۴۹. به نقل از ناصر کاتوزیان، حقوق

مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ص ۳۰۸.

و مردانگی و تقدیس اخلاقی تهور در بازی‌های ورزشی، از عوامل حقوقی و روانی دیگری است که حره قانون را کند می‌کند و ویژگی مسئولیت‌های ورزشی را نمایان می‌سازد:^۱ مگر نه این است که ضرب و جرح عمدی جرم نابخشودنی است، پس چرا آن که به پای خود به میدان می‌رود با دنده شکسته یا دستی و بال برگردن بیرون می‌آید، نه تنها ستمی را که بر او رفته است احساس نمی‌کند، بلکه بر مردانگی و شجاعت خود هم می‌نازد و جبران ضرر را به ارضای غرور خود می‌کند؟ و شگفت آنکه شکایت او در وجدان عمومی با تحقیر روبه‌رو می‌شود گاه دادگاه را به واکنش منفی وادار می‌سازد تا عهدشکنی را پاداش ندهد.

در یکی از دادگاه‌های فرانسه، دادگاه مردی ۲۷ ساله را که در ورزش بوکس کور شده بود، در دعوی جبران خسارت محکوم ساخته است، بر این مبنا که خود خطرهای ناشی از مسابقه را پذیرفته است. یکی از حقوق‌دانان فرانسوی، پس از نقل این رأی، بر براءت عامل درد و زیان اعتراضی ندارد و پیشنهاد می‌کند که برگزارکنندگان این‌گونه مسابقه‌ها، در برابر سود سرشاری که می‌برند، مسئول خسارات ناشی از اجرای مسابقه شوند. مانند مسئولیتی که کارفرما نسبت به زیان وارد به کارگر یا اشخاص ثالث پیدا می‌کند.^۲

در توجیه این تمایل رویه قضایی گفته شده است که، بازیکنان در رابطه میان خود پای‌بند قرارداد ضمنی هستند که مهم‌ترین مشخصه آن وجود شرط پذیرش خطر ناشی از بازی‌ها و ورزش‌ها، به ویژه مسابقه‌های ورزشی است. مفاد این شرط نیز چنین تعبیر شده است که، جز در مورد خطای شدید طرف خود، همه خطاهای متعارف ورزشی را می‌پذیرند و از دعوی خسارت در این زمینه صرف‌نظر می‌کنند.^۳ بعضی دیگر، به منظور رفع هرگونه ابهام گفته‌اند: در قرارداد ضمنی مربوط به پذیرش خطر، این قید وجود دارد که خطر ناشی از ورزش متعارف و در حدود قوانین ورزشی باشد. پس، آنچه در اثر تجاوز به این قواعد فنی و متعارف رخ می‌دهد، تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. منتها، باید توجه داشت که در عرف بازی‌های ورزشی خطاهای ناخواسته و قابل اغماض فراوان است. از لغزش‌های جزئی که لازمه نشاط و غرور جوانی است باید گذشت و تنها به خطاهای بزرگ و به‌ویژه عمد، یا بی‌اعتنایی به اضرار پرداخت. هم‌چنین، اشتباه در تمیز (مانند محاسبه احتمالی سرعت اسب) را نباید با خطا اشتباه

۱. حسین آقایی‌نیا، حقوق ورزشی، ورزش و مسئولیت‌های قانونی آن، ص ۲۹.

۲. اسنارک، تعهدات، ش ۲۴۱. به نقل از حسین آقایی‌نیا، همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۱.

کرد. بعضی هم وضع بازیکنی را که در برخورد با رقیب خود از مرز متعارف و قوانین ورزشی تجاوز می‌کند، همانند کسی می‌دانند که در وضع اضطراری دفاع مشروع به سرعت تصمیم می‌گیرد و از خود واکنشی نامتناسب نشان می‌دهد.^۱

معیارهایی که برای تعیین قلمرو «شرط پذیرش خطر و عدم مسئولیت» پیشنهاد شده بر نتایجی نزدیک به هم می‌رسد. در تمیز تقصیر نیز بنابر تسامح و تساهل است نه سخت‌گیری و گسترش مفاد شرط ضمنی، وسیله فنی اجرای این هدف است. علاوه بر این، پذیرش خطر هر ورزش در رویه‌های قضایی به فایده اجتماعی آن بستگی دارد و دادگاه‌ها می‌کوشند که نوعی تعادل میان مصلحت مربوط به اباحت ورزش و ضرر ناشی از خطرهای آن برقرار باشد.

۳. چهره حرفه‌ای و شغلی حقوق ورزشی نیز انکارناپذیر و در عین حال جالب است: گروه حرفه‌ای نه تنها می‌تواند نظام ورزشی خاصی را ممنوع یا ممدوح کند، بلکه می‌تواند عنان امور را یکسره از دولت بگیرد و خود به وضع قاعده پردازد و هیچ مرزی را نشناسد؛ این گروه، جهانی ویژه خود دارد که در آن حکم می‌راند و دولت‌ها در عمل، جز در موارد نادر، ناچار به پیروی از آن هستند. چنان که گفته شد، فدراسیون‌های بین‌المللی به تجربه قانون مفیدتر را می‌یابند و اعلام می‌کنند. تصمیم این مجامع، نفوذی به مراتب بیش از شورای امنیت و دیوان دادگستری لاهه دارد؛ جهانیان با رغبت و شتاب آن را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند، همانند اجرای تصمیم‌های هیئت مدیره برای شریکان مؤسسه یا اعضای انجمن.^۲

با تحول تصمیم فدراسیون حرفه‌ای، خطایی از بین می‌رود و مباحی خطا می‌شود. پس گزاره نیست اگر خطای ورزشی را در زمره خطاهای حرفه‌ای (مانند پزشکان و قضات) آوریم، به ویژه که در بیشتر موارد خطا را کسانی مرتکب می‌شوند که عنوان مربی و ورزش پیشه و داور را حرفه خود ساخته‌اند و در واقع عرف این گروه است که معیار تمیز خطا قرار می‌گیرد و در تحلیل نهایی، اوضاع و احوالی است که در آن فعل زیان‌بار صورت می‌پذیرد و به همین جهت در داوری نسبت به تحقق تقصیر اثر دارد. به عبارت روشن‌تر بدین توضیح که، اگر رفتار انسانی معقول و متعارف در شرایط خارجی وقوع حادثه، معیار تمیز خطا و صواب باشد، شرایط خارجی وقوع حادثه را عرف حرفه‌ای و قواعد بازی تشکیل می‌دهد. در نتیجه، باید پذیرفت که رفتار انسان معقول و

۲. حسن بوریافرانی، همان، ص ۴۷.

۱. حسینقلی حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، ص ۹۴.

متعارف نیست که به طور نوعی معیار تمیز خطا قرار می‌گیرد؛ رفتار ورزشکار معقول و متعارف در آن رشته ورزشی است.

گفتار دوم: ماهیت و ویژگی‌های خطای ورزشی

اکنون به پرسشی که درباره اعتبار و نفوذ قواعد ورزشی در دادگاه مطرح ساختیم باز می‌گردیم و آن را چنین تحلیل می‌کنیم:

۱. آیا آنچه عرف حرفه‌ای و تصمیم فدراسیون‌های ورزشی خطا اعلام می‌کند، در دادگاه نیز تقصیر و سبب ضمان است؟

۲. آیا می‌توان گفت بازیکنی که قواعد بازی را رعایت کرده است، تقصیری مرتکب

نشده و ضمانی بر عهده ندارد؟

در مورد پرسش اول، پاسخ عمومی این است که تجاوز به قواعد بازی و رعایت نکردن احتیاط‌های لازم از نظر حقوقی نیز تقصیر است؛ زیرا ورزشکار معقول و متعارف، چنین رفتاری ندارد. به همین جهت گفته شده است که تقصیر ورزشی را در دید نخست باید به تجاوز از قواعد ویژه آن بازی تعبیر کرد. با وجود این، در دعوی هاریسون، دادگاه استیناف انگلیس در سال ۱۹۸۲ نظر داده است که عدم اجرای قواعد بازی همیشه خطای ضمان‌آور نیست؛ زیرا احتمال دارد دلیل کافی برای آن حرکت ممنوع وجود داشته باشد.^۱ از مفهوم مخالف بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین بر می‌آید که نقض مقررات ورزشی تقصیر است. در این بند، در زمره اعمالی که جرم نیست می‌خوانیم:

«حوادث ناشی از عملیات ورزشی، مشروط بر این که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد».

منطوق این حکم، اعتبار مقررات ورزشی را در اعمالی که بر طبق قواعد عمومی جرم است تأیید می‌کند و رعایت مقررات ورزشی را سبب برائت مرتکب می‌داند، ولی از مفهوم مخالف آن استفاده می‌شود که نقض مقررات موضوع را تابع قواعد عمومی می‌کند. پس باید گفت مشتکی که به خطا در ورزش بوکس زده می‌شود ایراد ضرب و جرح و تقصیر است. این حکم ناظر به امور کیفری است نه مسئولیت مدنی، ولی از ملاک آن

۱. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۱۸۵.

در ضمان مالی نیز می‌توان استفاده کرد و اختلاط مسئولیت‌های کیفری و مدنی در آن قانون، امکان استفاده پیشنهاد شده را تأیید می‌کند. با وجود این، همان‌گونه که گفته شد، قدرت عرف بسیاری از خطاها را قابل اغماض می‌کند و تنها تقصیرهای عمدی و سنگین را ضمان‌آور می‌بیند.

اما تردیدها در پاسخ به پرسش دوم شدیدتر است و بسیاری از نویسندگان تأیید کرده‌اند که دادگاه پای‌بند به قواعد بازی نیست. به بیان دیگر، هرچند قوانین ورزشی همیشه به عنوان راهنما مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما الزامی برای دادگاه ایجاد نمی‌کند و آنچه در عرف بازی مشروع است همیشه در دید حقوق مباح نیست و دادگاه می‌تواند، بر پایه هدف اجتماعی و اخلاقی آن ورزش، حرکتی را خطا و سبب ضمان شمارد، به‌ویژه، در مواردی که نتیجه فعل زبان‌بار، شدید باشد (مانند مرگ و نابینایی و فلج دائمی) دادگاه‌ها به‌طور معمول سخت‌گیرترند و از آن معیار قابل انعطاف (یعنی رفتار ورزشکار معقول و متعارف) برای رسیدن به عدالت استفاده می‌کنند.

از بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی نیز می‌توان در تأیید این نظر استفاده کرد؛ زیرا در این بند نیز رعایت مقررات ورزشی در صورتی از اسباب برائت است که «با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد» و همین قید به اجمال نشان می‌دهد که اعتبار مقررات ورزشی در این زمینه مطلق نیست. وانگهی، موازین شرعی به کسی اجازه نمی‌دهد که با حیل و سوء استفاده از اجرای قواعد ورزشی به دیگری آسیب نامتعارف برساند. از نظر حقوق عمومی نیز، دولت عهده‌دار حفظ امنیت عمومی است و احتمال دارد بر این مبنا، ورزش خطرناک را در کشور ممنوع کند و خطرهای ناشی از آن را بیش از فایده اجتماعی آن بداند. در این صورت دادگاه‌ها نیز موظف به اجرای قواعد ملی و حفظ نظم عمومی هستند.

این قاعده انسانی را نباید از نظر دور داشت که، هدف از ورزش تنها سرگرمی یا اشتغالی پول‌ساز و افتخارآفرین نیست؛ هدف نهایی تأمین سلامت و تقویت روحیه جوان‌مردی و سخت‌کوشی است. پس هر حرکت با این هدف در تعارض باشد خطا است، خواه در زمره خطاهای آن بازی آمده باشد یا تیزهوشی و رندی پاره‌ای از حرفه‌ای‌ها، آن را ابداع کند و ذهن قانون‌گذاران ورزشی به پیش‌بینی آن نرسد؛ زیرا برای مثال، در ورزش بوکس هیچ ضربه‌ای به رقیب از پا در آمده مجاز نیست و آنچه رنگ آزار و انتقام جویی و خودنمایی بیهوده بگیرد از آیین جوان‌مردی (قانون بازی) خارج است،

هرچند که داور حرفه‌ای نیز آن را خطا نداد و در شمار ضربه‌های خطا نیامده باشد.^۱ از سوی دیگر چگونه می‌توان از نوکارآموزی که به ورزش پرداخته است انتظار داشت که احتیاطی بیش از رعایت قواعد مرسوم کند؟ و چگونه می‌توان مسئولیت کاری را بر او تحمیل کرد که بر طبق قواعد بازی مباح شناخته شده است؟ این انتظار با امکان‌ها و واقعیت‌های خارجی سازگار نیست. باید ضابطه‌ای را برگزید که برای او امکان درک آن میسر باشد. در انتخاب این معیار بهترین راه، روی آوردن به قواعد عمومی تقصیر است.^۲ درست است که در بازی‌های ورزشی اعمالی مباح است که از نظر قواعد عمومی ایجاد مسئولیت می‌کند، ولی این تفاوت ناشی از شرایط و اوضاع و احوال خارجی و محیط ارتکاب فعل زیان‌بار است، محیطی که اقتضای رفتار ویژه خود را دارد و مانع انتخاب معیار عمومی تقصیر در بازی‌های ورزشی نیست، لذا باید پذیرفت که «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی که فعل زیان‌بار رخ می‌دهد» معیار تمیز خطا از صواب است.^۳

ورزشکاری که در صحنه بازی بوکس (مسابقه‌ای که بنای آن بر ورود ضربه‌های متقابل است)، با ورزش کشتی که بر پایه زورآزمایی و اجرای فنون از پای انداختن حریف استوار شده، یا ورزش تنیس و اسکی، یکسان رفتار نمی‌کند و قوانین ویژه هر ورزش منش ویژه‌ای را به او تلقین می‌کند. به همین جهت، ضربه زدن به حریف در بوکس و کاراته مباح و در کشتی و تنیس و والیبال خطا است. اهمیت شرایط وقوع حادثه در تمیز تقصیر را در خطای ورزشی دیگر هم آشکارا می‌توان دید، برای مثال در مسابقه اتومبیل‌رانی، سرعت به مفهوم متعارف خود در شرایط عادی رانندگی نیست و در زمره خطاها نمی‌آید؛ در مسابقه فوتبال یا مشت زنی نیز مفهوم ایراد ضرب با شرایط عادی تفاوت دارد، ولی در هر حال، به درجه احتمال اضرار باید توجه داشت، مثلاً در بازی فوتبال، تکلیف خطرناکی که احتمال دارد ساق پای حریف را بشکند، تقصیر و سبب ضمان است، هر چند به منظور متوقف کردن او و تصاحب توپ باشد؛ انگیزه‌ای که در هر بازی فوتبال مباح و همگام با قوانین این بازی است.

نکته دیگری که در این زمینه باید افزود، توجه به میزان دخالت زیان دیده در ضرری است که به او وارد شده، برای مثال، اگر در بازی فوتبال، دروازه‌بان برای گرفتن توپی که

۱. فلی‌زاده، امهوبردی، مقاله مسئولیت مدنی مربیان و ورزش‌کاران در حقوق ایران، روزنامه اطلاعات،

پنج‌شنبه ۲۲ / ۱ / ۱۳۸۱. ۲. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۳۳۸.

۳. همان، ص ۳۳۸.

به سوی دروازه می‌رود دست دراز کند و در نتیجه بازیکن دیگری را که در حال حمله به دروازه است مجروح کند مسئول نیست؛ زیرا کار او در آن شرایط، متعارف است و بازیکنان نیز با شرکت در مسابقه، خطرهای متعارف این بازی را پذیرفته‌اند، ولی هرگاه همین دروازه‌بان مهاجمی را مضروب کند، به دلیل تجاوز از حد «خطرهای متعارف» مسئولیت دارد.

گودهارت، در مقام اجرای قاعده کلی تمیز خطای ورزشی و اوصاف ویژه آن تمثیلی به کار برده است که در دعوای ویلکز در ۱۹۷۱ از آن استفاده شده است و به نظر می‌رسد که راهنمای ارزنده‌ای برای درک شرایطی باشد که رفتار ورزشکاری متعارف را احاطه کرده است. به موجب معیار پیشنهاد شده گودهارت، وضع شرکت کننده در مسابقه ورزشی، مانند حال کسی است که در وضعی اضطراری باید به سرعت تصمیم بگیرد و از خود دفاع کند. پس باید دید آیا تصمیمی که او در آن شرایط می‌گیرد با تصمیم متعارف رقیبی که در آن ورزش گرفته می‌شود تناسب دارد یا مخالف آن است؟^۱ مسئولیت مدنی، ویژه موردی است که کار زیان‌بار با آن معیار مخالف باشد و تجاوز به قواعد بازی و سوء استفاده از رقابت سالم به حساب آید.

این معیار با آنچه درباره «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی که فعل زیان‌بار رخ می‌دهد گفته شد تعارضی ندارد، جز این که تکیه بر وضع اضطراری او و لزوم تصمیم گرفتن سریع در آن حالت، بسیاری از لغزش‌ها و اشتباه‌ها را قابل اغماض و مباح می‌کند و از گستره تقصیرهای ورزشی می‌کاهد؛ بهایی که نظام حقوقی در برابر فایده‌های انکارناپذیر آن در تربیت و هدایت جوانان باید بردارد.

بدین ترتیب، باید چنین نتیجه گرفت که خطای ورزشی، با وجود همه اوصاف ویژه خود، در معیارهای عمومی تمیز تقصیر در مسئولیت مدنی می‌گنجد و نباید آن را دارای ماهیتی جداگانه و استثنایی شمرد. تفاوت‌های آشکار تقصیر ورزشی را انعطاف‌پذیری داوری عرف و گونه‌گونی مظاهر زندگی اجتماعی توجیه می‌کند؛ چنان‌که همین انعطاف سبب شده است که خطای قاضی و پزشک نیز با آنچه برای کارگری ساده «تقصیر» شمرده می‌شود متفاوت باشد.

۱. حسین آقای‌نیا، همان، ص ۳۷.

فصل دوم: رابطه ورزشکاران و برگزارکنندگان مسابقه‌ها با تماشاگران

در این فصل ابتدا به بررسی مسئولیت ورزشکاران در برابر خسارات و صدمات وارده بر تماشاگران و برگزارکنندگان مسابقه و آن گاه به بررسی مسئولیت برگزارکنندگان مسابقه خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مسئولیت ورزشکاران

بازیکنان اگر در محل ویژه ورزش به بازی پردازند و قواعد آن بازی را رعایت کنند، هیچ مسئولیتی در برابر تماشاگران در معرض خطر ندارند؛ زیرا از آنان جز رفتار متعارف ورزشی نمی‌توان انتظار داشت.^۱ وانگهی، به طور معمول هیچ رابطه حقوقی میان بازیگران و تماشاکنندگان وجود ندارد تا بتوان تعهد ایمنی گروه تماشاگر را به عهده بازیکنان نهاد. دادگاه‌ها اشتباه در محاسبه ضربه‌ای را که به توپ‌های ورزش زده می‌شود به حق متعارف می‌بینند و تقصیر نمی‌شمردند و وضع اضطراری و هیجان ناشی از رفتار را در نظر می‌گیرند،^۲ ولی اگر بازیکنی در محلی خارج از زمین بازی به تمرین یا مسابقه پردازد و به دیگران صدمه بزند، مسئولیت مدنی دارد.

در صورتی که محل استقرار تماشاگران نامناسب باشد و در اثر اصابت توپ بازی یا پرتاب شدن بازیکنان یا تصادم اتومبیل‌ها یا رم کردن اسب سواری آسیب ببینند، باید برگزارکنندگان مسابقه را مسئول شمرد. گاه نیز خطای تماشاگران خطرآفرین است و صدمه ایجاد شده بیش از هرچیز به تقصیر او نسبت داده می‌شود، برای مثال، تماشاگر هیجان زده‌ای که به داخل زمین فوتبال می‌دود و در اثر برخورد بازیکنان یا اصابت توپ صدمه می‌بیند، نمی‌توان اثر این اقدام خود را به دوش بازیکنان نهاد. هم‌چنین است تماشاگری که به اسب آماده برای مسابقه نزدیک می‌شود و در اثر لگد او آسیب می‌بیند.

گفتار دوم: مسئولیت برگزارکنندگان مسابقه

ممکن است ادعا شود که تماشاگران، با حضور در میدان‌های ورزشی خطرناک، به طور حتمی آثار احتمالی این اقدام را پذیرفته‌اند، ولی این استدلال تنها ممکن است در بعضی از صورت‌های حضور رایگان تماشاگران وجهی از اعتبار را داشته باشد. هر چند در این فرض نیز می‌توان گفت، آن که با نمایش بازی جالبی، دیگران را به محلی خطرناک

۱. حسین آقایی‌نیا، حقوق ورزشی و ورزش و مسئولیت‌های قانونی آن، ص ۳۸.

۲. مازووننک، درس حقوق مدنی، ج ۲، ش ۳۷۶، به نقل از ناصرکاتوزیان ص ۳۴۰.

کشانده است، باید مسئول خسارت ناشی از این اقدام باشد و رایگان بودن مسابقه چیزی از این مسئولیت نمی‌کاهد، به ویژه در موردی که برگزارکننده مسابقه، به منظور تبلیغ مهارت بازیکنان، دیگران را به محلی خطرناک فرا می‌خواند و رایگانی ورود را وسیله تشویق آنان به حضور در آن قرار می‌دهد، مسئول کاهلی و بی‌مبالانی خود در تمهید وسایل ایمنی آنان است.^۱ به طور خلاصه، پیش‌بینی وسایل احتراز از خطر، تعهد عام هر برگزارکننده‌ای است، خواه از تماشاگران پولی بگیرد یا آنان را رایگان بپذیرد، جز این که، در صورت اخیر، مسئولیت برگزارکننده ناشی از قرارداد نیست و ناشی از تقصیر ایجاد خطر است، اما در فرض شایع فروش بلیت برای دیدن مسابقه، بی‌گمان این شرط ضمنی وجود دارد که ایمنی آنان به هنگام تماشای بازی‌ها حفظ خواهد شد. تعهد ایمنی را باید از لوازم عرفی پیمان اصلی شمرد، زیرا با اندک تأملی می‌توان این بنای عرفی را احراز کرد. تردید و گفت و گو تنها درباره مفاد تعهد برگزارکننده مسابقه و فروشنده بلیت است. دادگاه‌های فرانسه، تعهد ایمنی را در این زمینه تعهد به مواظبت و تمهید تضمین‌های ایمنی دانسته‌اند و در نتیجه، زیان دیده را موظف به اثبات تقصیر می‌سازند، ولی بعضی از نویسندگان بر این تعبیر خرده گرفته‌اند که تعهد فروشنده بلیت، در برابر پولی که می‌گیرد، تأمین سلامت خریدار در برابر خطر ناشی از تماشای مسابقه است.^۲ به بیان دیگر، بنای دو طرف بر تأمین این نتیجه است نه تمهید وسایل و مواظبت برای احتراز از خطر، پس مسئولیت هر صدمه‌ای که تماشاگر ببیند بر عهده طرف قرارداد است، مگر این که ثابت کند ناشی از قوه قاهره یا خطای تماشاگر و تجاوز به نظام برقرار شده بوده است. در تأیید و توجیه این نظر استدلال شده است که تماشاگر هیچ نقشی در اجرای قرارداد ندارد و تنها در پی ارضای روحی خویش است نه پذیرش خطر. بنای طرفین نیز بر پایه همین خواسته شکل می‌گیرد و ناظر به تأمین این نتیجه است.^۳ موضوع تابع قصد مشترک دو طرف قرارداد است، ولی به نظر می‌رسد که به طور معمول بنای دو طرف بیش از تمهید وسایل ایمنی تماشاگر نیست و در دعوی جبران خسارت، او باید ثابت کند که برگزارکننده مسابقه در حق او و احتراز از خطرهای احتمالی کوتاهی کرده است. تأمین نتیجه بر خلاف ظاهر و اماره ناشی از غلبه است و نیاز به تصریح یا قرینه قوی دارد و از بنای عرفی قرارداد فهمیده نمی‌شود. به بیان دیگر، در مقام تردید نیست به مفاد

۱. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۳۴۱.

۲. حسینقلی حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، ص ۴۰.

۳. فیلیپ لوتورنو، مسئولیت مدنی، ش ۶۹۲، ص ۲۵۱، به نقل از حسینقلی حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، ص ۴۲.

تعهد ایمنی، قدر متقین تعهد به فراهم کردن وسایل پرهیز از خطراست و بیش از آن نیاز به دلیل دارد؛ اختلافی که مدعی وجود «تعهد به نتیجه» اثبات آن را به عهده دارد. دادگاه‌های ما هنوز فرصت اتخاذ رویه قاطعی در این زمینه را نیافته‌اند و پیش‌بینی می‌شود که، بنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تمایل بر اثبات تقصیر زیان دیده، برای احراز انتساب افراد به او، پیدا می‌کنند.

فصل سوم: رابطه ورزش‌کاران با مربیان و مؤسسه‌ها ورزشی

در این فصل ابتدا به بررسی مسئولیت مدنی مربیان در برابر ورزش‌کاران می‌پردازیم و سپس به بحث مسئولیت مدنی مربی در قبال اشخاص ثالث خواهیم پرداخت و در نتیجه رابطه ورزشکار و مؤسسه‌های ورزشی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول: مسئولیت مربیان در برابر ورزش‌کاران

در فقه آمده است که، اگر کسی فرزند صغیر خود را برای فراگرفتن شنا به دیگری بسپارد و فرزندش غرق شود، معلم مسئول است؛ زیرا فرزند را به او سپرده است تا در نگاهداریش احتیاط کند و غرق او دلیل بر این است که در حفاظت او تقصیر کرده است، ولی در موردی که فرزند کبیر است، در صورتی مربی مسئول است که تقصیر کرده باشد.^۱

درباره مسئولیت مربی صغیر تردیدهایی هم شده است و بعضی آن را متوط به اثبات تقصیر مربی کرده‌اند.^۲ بعضی دیگر، به دلیل متعارف بودن این اقدام و هدف مشروع تعلیم، که مصلحت طفل هم می‌شود، مربی را ضامن نشمرده‌اند،^۳ ولی آنچه طرفدار بیشتری دارد، اعتقاد به مسئولیت مطلق معلم شنا در مورد کودک مسئولیت مقید به تفریط او درباره بالغ و رشید است. تحلیل و نقد هر یک از نظریه‌ها به درازا می‌کشد و با بحث ما تناسب ندارد، پس به نتایج عمومی این مطالعه می‌پردازیم:

۱. مسئولیت مربی نسبت به صدمه‌های بدنی ورزشکار، ریشه قراردادی دارد و پایه آن را باید «نقض عهد» شمرد؛ زیرا مربی در اثر قرارداد با ورزشکار یا ولی او مکلف به حفاظت شده است. به همین جهت، صاحب جواهر گفته است که، اگر در این پیمان

۱. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۲، ص ۱۰۶.

۲. شهید ثانی، مسالک‌الافهام، کتاب دیات، ص ۱۰۹.

۳. سید محمدجواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.

مربی از خود سلب مسئولیت کند، اخذ براءت، همانند آنچه در مورد پزشکان گفته شده است، ضمان را از بین می‌برد.

۲. تعهدی که مربی در این پیمان به حفاظت می‌گیرد، در مورد کودک از قبیل تعهدهای به نتیجه است. پس اگر کودک غرق شود، نقض عهد نیز صورت می‌گیرد یا با گفته صاحب جواهر در تعبیر نظر شهید، تلف کودک کاشف از تفریط او است؛ زیرا فرض این است که بدون تقصیر او کودک غرق نمی‌شده است یا ولی در مورد رشید، تعهد مربی به تمهید وسایل ایمنی و مواظبت از نوآموز و دادن تعلیم به او است. در نتیجه، اگر حادثه‌ای رخ دهد، در صورتی ضمان آور است که مستند به تفریط او باشد. در بیان این تفاوت گفته شده است که:

۱. انسان عاقل، حاکم بر رفتار و مسئول جان خویش است و تفریط منتهی به مرگ، منسوب به خود او است نه دیگری.

۲. فرض این است که ورزشکار خود و او طلب تعلیمی نشده است که به مرگ او منتهی شده است؛ یعنی با این اقدام خطر ناشی از غرق شدن را پذیرفته است.

۳. در این بحث که تعهد به حفاظت در مورد رشید و عاقل تعهد به وسیله است، تردید کمتری دیده می‌شود (تنها گروه اندکی به ضمان مطلق مربی در هر حال نظر داده‌اند) تردید و احتمال‌ها بیشتر درباره‌ی تعلیم به کودکان است که آیا باید تعهد را به نتیجه شمرد یا به نگهداری و مواظبت؟ و دیدیم که متعهد تمایل به تعهد و مسئولیت مربی دارد.

برای یافتن پاسخ درست، باید توجه داشت که این پرسش به مسئله احراز انتساب تلف به فعل مربی و ورزشکار باز می‌گردد.^۱ در موردی که غرق نوآموز به فعل یا تفریط مربی منسوب است، مانند کودکی که در اختیار مربی قرار می‌گیرد و به دستور و تعلیم‌های او چشم دارد، فرض این است که مربی توان پیش‌گیری از وقوع حادثه را دارد و اگر اتفاقی رخ دهد ناشی از تفریط او است. در چنین موردی تعهدی به حفاظت به نتیجه متوجه است. پس در صورت غرق کودک، مربی ضامن است مگر این که حادثه را به عامل احرازناپذیر و پیش‌بینی نشده نسبت دهد و آن را اثبات کند، به ویژه که بر حسب ظاهر در این گونه قراردادها خطر غرق شدن طفل پذیرفته نشده و مربی براءت از ضمان به دست نیاورده است، اما در فرضی که نوآموز بالغ و رشید است، از خود ابتکار

۱. سیدابوالقاسم خوئی، مبانی تکرمة المنهاج، ص ۲۳۲.

دارد و مطیع و کارگزار محض مربی نیست و تعلیم‌های او را به انتخاب خود به کار می‌بندد، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که غرق او در هر حال به فعل و تفریط مربی نسبت داده می‌شود؛ زیرا احتمال دارد نوآموز، با علم به خطرناک بودن فعل، خود را به خطر افکند و مواظبت‌های متعارف در این سنخ از ورزش نیز نتواند سلامت او را تضمین کند. در نتیجه، باید گفت غرق به خود او منسوب است، مگر این‌که ثابت شود بی‌مبالاتی یا نقص در مواظبت و تعلیم سبب وقوع حادثه بوده است. به بیان دیگر، تعهد مربی ناظر به مواظبت است نه سلامت.

گفتار دوم: مسئولیت مربی در برابر اشخاص ثالث

معیاری که در مورد مسئولیت مربیان در برابر ورزش‌کاران گفته شد، با تغییر مناسب در توصیف مینا، دربارهٔ مسئولیت آنان در برابر ثالثی که از فعل ورزشکاران صدمه می‌بیند نیز قابل اعمال است. تفاوت، ناشی از این تغییر است که مسئولیت در هر حال قهری است نه قراردادی.

۱. در فرضی که ورزشکار در شرایطی است که دستورهای مربی را اجرا می‌کند و موضعی انفعالی دارد، باید او را همانند کارگری شمرد که به دستور یا هدایت کارفرما به دیگران ضرر می‌زند و سبب اقوی از مباشر و مسئول جبران خسارت است (مادهٔ ۳۳۲ ق.م. و مادهٔ ۱۲ ق.م.م.)، مگر این‌که ثابت کند تمام احتیاط‌های ضروری را رعایت کرده یا علت خارجی و احترازناپذیر آن را به بار آورده است، برای مثال اگر نوآموز رانندگی در مسابقه‌های اتومبیل‌رانی خسارتی به دیگران زند، باید مربی را مسئول شمرد، هم‌چنین اگر کودکی که در حال آموختن شنا است، طفلی را که در حال شنا است به زیر آب کشد و صدمه بزند، مربی را باید مسئول شمرد، هرچند که در بعضی شرایط کودک هم ضامن باشد.

۲. فرضی که ورزشکار در سطحی است که تنها با نظارت و هدایت عمومی مربی تمرین می‌کند، مربی در صورتی مسئول است که غفلت و تقصیر او ثابت شود. در این فرض نیز، هیچ رابطهٔ قراردادی مربی و اشخاص خارجی را به هم مربوط نمی‌کند و در نتیجه، مربی در صورتی مسئولیت دارد که احتراز مستند به تقصیر او باشد. منتها، در فرض نخست، امارهٔ تقصیر ناشی از اوضاع و احوال، زبان دیده را از اثبات آن معاف می‌کند و بار اثبات بی‌تقصیری به دوش مربی قرار می‌گیرد، ولی در این فرض، که اماره‌ای دربارهٔ تقصیر مربی وجود ندارد، قواعد عمومی اجرا می‌شود و اثبات تقصیر بر عهدهٔ

زیان دیده است.

بدین ترتیب، مسئولیت مربی در هر حال مبتنی بر تقصیر است، جز این که در مرحله اثبات، گاه به دلیل شرایط و اوضاع و احوال و حدود اختیار و انتخاب ورزشکار، اثبات تقصیر به اماره صورت می‌پذیرد و نیاز به دلیل اضافی ندارد.

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی هم که تقصیر مواظبت کودک و دیوانه را شرط مسئولیت او اعلام می‌کند با تحلیلی که پیشنهاد شد تعارض ندارد و در این ماده آمده است: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد، به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد».

این حکم ناظر به مواظبت کننده از محجور است و این مفهوم مخالف را ندارد که مربی رشید و عاقل هیچ مسئولیتی ندارد. به طور معمول، تنها محجور نیاز به نگاهدارنده و مواظبت دارد و قید حکم قانون نیز مبتنی بر این غلبه و شیاع عرفی است، ولی مسئولیت حرفه‌ای مربی را که به آموزش کودکان می‌پردازد، نفی نمی‌کند، حتی از راه قیاس یا وحدت ملاک می‌توان حکم ماده ۷ را مؤید مسئولیت مربی شمرد.

گفتار سوم: رابطه ورزشکار و مؤسسه‌های ورزشی

رابطه ورزشکار با باشگاه‌ها و ترتیب‌دهندگان مسابقه‌های ورزشی مبتنی بر قراردادی است که در این زمینه بسته می‌شود. ویژگی این قرارداد پذیرش خطرهای ناشی از آن ورزش و مسابقه‌ها است، برای مثال راننده‌ای که در مسابقه اتومبیل‌رانی یا بوکس شرکت می‌کند، پیمان می‌بندد، از خطرهای این اقدام آگاه است و به طور ضمنی آن را می‌پذیرد. پس نمی‌تواند تضمین سلامت خود را بر عهده مربی یا باشگاه نهد.^۱ بی‌گمان، در این قراردادها شرط «تعهد ایمنی» مفروض است، ولی مفاد این شرط را باید محدود به تمهید وسایل ایمنی و کوشش در پرهیز از خطر کرد و تضمین نتیجه، به ویژه در خطرهایی که لازمه شرکت در مسابقه و مبارزه است، در قلمرو این شرط نمی‌آید. به بیان دیگر، مفاد تعهد ایمنی ناظر به تمهید وسیله است نه کسب نتیجه مطلوب. پس در دعوی جبران خسارت ورزشکار باید تقصیر خواننده و تفریط او در پرهیز از خطر و تمهید وسایل ایمنی اثبات شود.

۱. ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۳۸۷.

بنابراین، قانون یا رویه قضایی باید این گونه مؤسسه‌ها را، در برابر سودهای سرشاری که از این رهگذر می‌برند، موظف به بیمه ورزش‌کاران در خطر کند. بیمه کردن ورزشکار یکی از وسایل ایمنی است که می‌تواند او را در صورت حادثه از خطر مرگ و فلج شدن و سایر ناتوانایی‌های جسمی و روحی نجات دهد؛ زیرا به ورزشکار امکان دسترسی به پزشکان متخصص و بیمارستان‌های تخصصی گران قیمت را می‌دهد؛ وسایلی که در حالت عادی ممکن است دور از دسترس ورزشکار باشد و او را از مراقبت‌های پزشکی محروم سازد. اگر این پیشنهاد به عنوان لازمه عرفی تعهد پذیرفته شود، باید گفت که مؤسسه‌های ورزشی در برابر ورزش‌کاران مسئولیت محض پیدا کرده‌اند و مظهر خارجی این مسئولیت حق بیمه‌ای است که می‌پردازند.

فصل چهارم: مسئولیت کیفری ورزشکار صدمه زننده

در خصوص مجازات یا عدم مجازات ورزشکاری که صدمات و جراحاتی که به دیگری وارد کرده است، نظریات گوناگونی مطرح گردیده است. در این فصل به بیان نظریات ارائه شده خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مبانی عدم مسئولیت ورزشکار صدمه زننده

الف) نظریه مبتنی بر عدم قصد مجرمانه

عده‌ای کوشش کرده‌اند که حوادث ناشی از این‌گونه ورزش‌ها را به لحاظ فقدان قصد مجرمانه غیرقابل مجازات بدانند. در سال ۱۹۱۲ رأیی از یکی از دادگاه‌های فرانسه صادر شد که طبق آن جرایم معمولی ضرب و جرح به لحاظ احساس کینه‌ای است که مهاجم نسبت به طرف مقابل دارد و این احساس کینه برای بازیکنی که فوتبال یا بوکس یا مسابقه دیگری انجام می‌دهد وجود ندارد و این بازیکن فقط شغل و وظیفه خود را انجام می‌دهد.

انتقاد به این نظریه این است که هرچند ممکن است کینه و احساس آن برای بازیکن وجود نداشته باشد، ولی در عمل می‌بینیم که بازیکنان عملاً به خصوص اگر احساس شکست کنند، مبارزه خود را تغییر می‌دهند و عمدتاً به ایراد ضرب و جرح می‌پردازند که نمونه فراوان آن را در بازی‌های فوتبال و مشت‌زنی می‌توان دید.^۱

۱. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۲۳۰.

ب) نظریه مبتنی بر رضایت زیان دیده

یکی دیگر از مبانی در خصوص عدم مسئولیت و مجازات ورزشکار صدمه زننده رضایت مجنی علیه است و در واقع اعتقاد بر این است که وقتی شخص ورزشکار به طور ارادی در یک مسابقه کاراته شرکت می‌کند به واقع به صدمات احتمالی که ممکن است در حین مسابقه برای او پیش بیاید، رضایت داده است. بنابراین، از نظر کیفری مسئول دانستن ورزشکار ضارب منطقی نیست. اشکال این نظر این است که رضایت باید منجز باشد در حالی که در اینجا رضایت زیان دیده منجز و مشخص نیست، به علاوه در حقوق کیفری ما رضایت زیان دیده از علل توجیه کننده محسوب نمی‌شود و ورزشکار رضایت به مضر و یا مجروح شدن خود نمی‌دهد، بلکه رضایت به انجام ورزشی خاص می‌دهد.

به هر حال رضایت زیان دیده عامل مهمی در عدم مجازات ورزشکار ضارب است. در واقع ورزشکار یک رشته رزمی وقتی قدم در میدان مبارزه می‌گذارد پیشاپیش خطرات و صدمات احتمالی را پذیرفته است. رضایت بر خسارت احتمالی ورزشی مغایر موازین شرعی نیست و مقرراتی هم برای رعایت طرفین وضع و تدوین گردیده است و همانند پذیرفتن سایر زیان‌ها است مانند راننده یا خلبانی که در مسابقه‌ای شرکت می‌کند و به طور ضمنی خطرات آن را می‌پذیرد.^۱

برخی از حقوق دانان معتقدند که احراز رضایت ضمنی زیان دیده از طرف مراجع کیفری ضروری است؛ زیرا هرگاه معلوم شود که شخصی تحت تأثیر خدعه و نیرنگ دیگری و برخلاف رضایت به انجام عملیات ورزشی کشیده شود و صدمه‌ای دیده باشد از شمول حکم بند قانونی^۲ خارج خواهد بود.^۳

اهداف ورزش و تربیت بدنی

برخی از حقوق دانان معتقدند که اصلی‌ترین دلیل جرم نبودن حوادث ورزشی را باید در هدف از ورزش و به عبارت دیگر اهداف سازمان تربیت بدنی که عبارت از پرورش جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور است؛ جست‌وجو کرد. در توضیح بیشتر این نظریه می‌توان گفت، چون منافع حاصله از ورزش برای جامعه

۱. سیدمرتضی قاسم‌زاده، مبانی مسئولیت بدنی، ص ۲۰۶.

۲. بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی.

۳. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۱۳.

بسیار ارزشمند و دربرگیرنده توده عظیم اجتماع است، جادارد که به منظور رشد و گسترش آن صدمات ناشی از عملیات ورزشی را که در نتیجه رعایت مقررات بروز می‌کند و استثنای ناچیزی در مقابل آن اصل پرشمول است، نادیده انگاشت.^۱

د) نظریه مبتنی بر اجازه قانون

یکی از تئوری‌های معتبر جهت مشروع تلقی نمودن حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی، نظریه اجازه قانون است. این نظریه با انتقاد کمتری مواجه است. پس اجازه مقنن است که می‌تواند توجیه‌کننده جرایمی باشد که در مسابقه پیش می‌آید.^۲

در علل و عوامل موجهه جرم، قانون‌گذار تحت شرایطی، عمل مرتکب را جرم نمی‌داند. به هر حال آیا صدمات ناشی از عملیات ورزشی را می‌توان با علل توجیه‌کننده جرم تعیین کرد؟

مقنن جمهوری اسلامی در بندهای ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و صدر آن، صدمات ورزشی را به وضوح عامل موجهه جرم مقرر کرده است و به صراحت آن را جرم نمی‌داند.

گفتار دوم: بررسی حوادث ناشی از عملیات ورزشی در قوانین جزایی ایران

الف) قوانین کیفری قبل از اسلام

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ هیچ اشاره به مطلب مذکور نداشت، ولی در اصلاحیه سال ۱۳۵۲ با توجه به نیازهای روزمره به این خلأ قانونی توجه شد و مقنن با تدوین ماده ۴۲ به این مهم توجه کرد. در بند چهارم ماده مزبور مقرر شده بود: «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد».^۳ بنابراین، در صورتی که ورزشکار مقررات مربوط را نقض کند مجرم و قابل مجازات خواهد بود.

ب) قوانین جزایی پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقنن در دو مرحله مبادرت به انشا قانون در خصوص

۱. حسین آقایی‌نیا، حقوق ورزشی، ورزش و مسئولیت‌های قانونی آن، ص ۴۴.

۲. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. بند چهارم، ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی اصلاحی، سال ۱۳۵۲.

حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی کرد. ابتداء در سال ۱۳۶۱ و در بند ۳ ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات اسلامی و سپس عین همان عبارات را در بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ گنجانند.

مقنن در صدر ماده ۵۹ ق. م. ۱ مقرر می‌دارد: «اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود». در بند ۳ قانون مزبور آمده است: «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث یا نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد».

بنابراین، حوادث و صدمات ناشی از فعالیت‌های ورزشی در صورت تحقق شرایط ذیل جرم نخواهد بود:

۱. سبب آن نقض مقررات نباشد.

۲. مقررات آن ورزش با موازین شرعی مخالف نباشد.

شرط اول نیازی به توضیح ندارد، ولی در مورد خلاف شرع بودن می‌توان گفت که ورزش از نظر اسلام وسیله‌ای برای بهتر زیستن و بهتر جنگیدن در راه تقرب به خدای یگانه است.

«هر ورزشی که جهت‌دار نباشد یا در جهت غیر خدا باشد، غیراسلامی است و در همین زمینه گفته شده که آنگونه ورزش‌ها که مستلزم ایذا نفس یا ایذا غیر باشد، اشکال شرعی دارد»^۱.

دلایل مخالفت موازین شرعی با مقررات بعضی ورزش‌ها متعدد است، از آن جمله می‌توان به دستور صریح قرآن کریم مبنی بر اینکه خودتان را به دست خود به هلاکت نیندازید.^۲ و یا حدیث نبوی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» اشاره کرد.

البته نکته قابل توجه این است که صرف مطلق ورود صدمه به ورزش‌کاران ملاک مخالفت آن ورزش با موازین شرعی نیست، بلکه به نظر می‌رسد که ملاک مبنای مخالفت ناشی از ماهیت آن ورزش است که صدمه نتیجه قهری و ضروری اجرای عملیات آن ورزش باشد، برای نمونه مشت‌زنی حرفه‌ای را می‌توان نام برد. شکستن بینی، کوری، فلج و... از قهری‌ترین نتایج این ورزش است که با مقررات آن ورزش سازگار، ولی با مقررات شرعی سازگار نیست.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مرجع تشخیص شرعی بودن یک

۱. احمد بهشتی، مبانی تربیت بدنی در اسلام، ص ۲۰.

۲. بقره (۲) آیه ۱۵۹.

ورزش به عهده چه مقامی است؟

برخی قاضی دادگاه را مرجع تشخیص شرعی بودن می‌دانند، اگر چه تشخیص وی مخالف با موازین سازمان تربیت بدنی کشور باشد، ولی این نظریه قابل قبول نیست که قاضی این اختیار را داشته باشد تا در خصوص ورزش‌های مجاز یک کشور تردید کند و آنها را غیر مشروع اعلام دارد. در واقع وقتی یک ورزش توسط سازمان تربیت بدنی مجاز اعلام می‌شود، ورزشکار آن رشته از کجا متوجه این موضوع شود که این ورزش از نظر قاضی خلاف موازین اسلامی است. بنابراین، مرجع تشخیص مجاز و مشروع بودن ورزش در کشور سازمان تربیت بدنی است.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد کلمه «حوادث» در بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی است. حوادث جمع حادثه است و حادثه به معنای تمام عناوینی است که مقنن آن را جرم تلقی می‌کند. این حوادث که از عملیات ورزشی ناشی می‌شود گاهی علیه تمامیت جسمانی و روانی اشخاص است که از ایراد ضرب ساده شروع و تا نقص عضو و قطع عضو و... ادامه می‌یابد و گاهی حادثه علیه اموال محقق می‌شود. به هر حال، واژه حادثه در این ماده به تمام عناوینی اطلاق می‌شود که:

اولاً: از نظر قانون‌گذار جرم و قابل مجازات است.

ثانیاً: در نتیجه عملیات ورزشی به وجود آمده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون مجازات اسلامی ایران.
۳. آقائی نیا، حسن، حقوق ورزشی، ورزش و مسئولیتهای قانونی آن، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۲.
۴. بهشتی، احمد، مبانی تربیت بدنی در اسلام.
۵. پوربافرانی، حسن، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، دانشکده علوم قضایی، بهار ۱۳۷۷.
۶. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، مفتاح الکرامة، ج ۱۰، بی تا، بی جا.
۷. حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، نشر جهاد دانشگاهی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
۸. خوئی، سیدابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج.
۹. شهید ثانی، مسالک الافهام، شرح شرائع الاسلام، چاپ سنگی در دو مجلد، کتاب دیات.
۱۰. شیرزاد، ایمان، اذن و اجازه مجنی علیه در ارتکاب جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۷۹.
۱۱. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، ج ۱.
۱۲. قاسمزاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی.
۱۳. قلی زاده، الهو یردی، مقاله مسئولیت مدنی مربیان و ورزشکاران در حقوق ایران، روزنامه اطلاعات، ۲۲ / ۱ / ۱۳۸۱.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد (اضمان قهری)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۷۶.
۱۵. کاربویه، تعهدات، ج ۴، ش ۲۳۴، م ۱۹۹۶.
۱۶. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴۲، چاپ سنگی خوانساری، بی تا، بی جا.
۱۷. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی.
۱۸. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، ج ۲.